

ذَهَبَ الإمامُ عليٌّ «عليه السَّلَامُ» مَعَ خَادِمِهِ السَّابِّ إِلَى السُّوقِ.

سوقُ البَزَائِينِ*

أَلْبِسَةُ* مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْوَاعِ.



هل عندكَ قَمِيصٌ* لي و قَمِيصٌ لِخَادِمِي؟



لَمَّا* عَلِمَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الْبَائِعَ قَدَعَرَفَهُ؛
تَرَكَ الْمَكَانَ وَ ذَهَبَ إِلَى دُكَّانٍ آخَرَ.



نَعَمْ يَا أميرَ الْمُؤْمِنِينَ. تَفَضَّلْ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

أطلبُ ثوباً لي و ثوباً لِخادمي.



تفضّل. أنا في خدمتك.

— هذا لك. والأزخض لي.

إتخَب الإمام قميصاً
بثلاثة دراهم وقميصاً
أزخض*.



— لا، أنت أولى* به. أنت أمير المؤمنين.

— لا، أنت شابٌ و لك رغباتُ السباب.

بعد مُدَّة

حضّر الإمام (ع) لإقامة صلاة الجمعة.



في أثناء الخطبة

— يا وادي، أنظر.
أمير المؤمنين يسعُرُ*
بالحرّ السديد، هو
يتروّحُ* بكُمه!



— لا، يا وادي، هو لا يتروّح. بل

يُجفّفُ* قميصه. هو غسله* قبل حضوره

للصلاة.



— عجيب! أليس له قميص آخر؟!

— لا تعجب.

سأذكُرُ لك

قصةً بعد المغرب.



بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ صَوَّرَ * الْوَالِدُ الْمَشْهَدُ * التَّالِي لَه .

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

أَحَدُ الصَّحَابِيَّةِ :

رَسُولُ اللَّهِ حَزِينٌ . مَاذَا نَعْمَلُ ؟

سَلْمَانُ :

أَنَا أَعْرِفُ مَاذَا أَعْمَلُ . هُوَ يَفْرَحُ بِزِيَارَةِ بِنْتِهِ فَاطِمَةَ .



فَدَهَبَ سَلْمَانُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ (س) وَأَخْبَرَهَا .

فِي الطَّرِيقِ

لَمَّا شَاهَدَ سَلْمَانُ أَلْبَسَةَ فَاطِمَةَ (س) ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ * .

وَاحْزُنَاهُ ! إِنَّ بَنَاتِ قَيْصَرَ * وَكِسْرَى *
لَفِي السُّنْدُسِ * وَالْحَرِيرِ وَلِبَاسِ ابْنَةِ
مُحَمَّدٍ هَكَذَا * .



فَاطِمَةُ (س) :

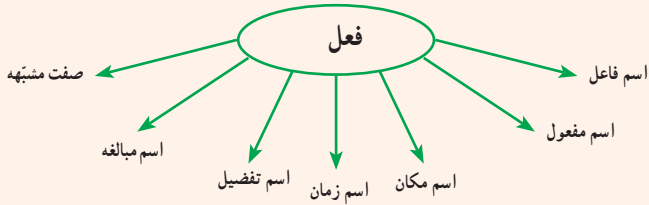
يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ أَلْبَسَتِي .

عِنْدَ النَّبِيِّ (ص)

بَعْدَ دَقَائِقَ

رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا سَلْمَانُ ، إِنَّ ابْنَتِي لَفِي «الْخَيْلِ السَّوَابِقِ» * .





از خود سؤال کنید:

۱- مشتقات به چند قسم تقسیم می‌شوند؟

۲- مشتقات از چه کلمه‌ای گرفته می‌شوند؟

۳- ملاک تشخیص جامد یا مشتق بودن کلمه کدام است؟

۴- «مشتق» در اصطلاح علم صرف در مورد کدام یک از اقسام کلمه صحبت می‌کند؟

۵- جامد و مشتق از لحاظ لغوی به چه معنی هستند؟

۶- دو قسم از انواع مشتقات را که تاکنون خوانده‌اید ذکر کنید.



به تصویر شماره ۱ و ۲ نگاه کنید.

زمان وارد شدن به خانه هنگام غروب خورشید است.

در تصویر شماره ۲ مادر در جایی مشغول آشپزی است.

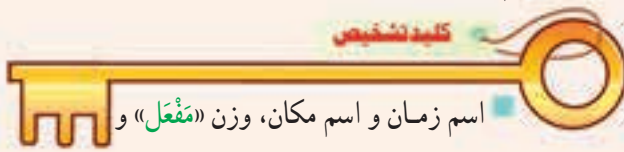


مطبخ: مکان طبخ
مغرب: زمان غروب
مشرق: زمان شروق و طلوع
مسکن: محل سکونی و آرامش

اسم‌های زمان و مکان نشان‌دهنده زمان وقوع و یا

مکان وقوع فعل است.

* اسم زمان و اسم مکان هر دو بر یک وزن می آید.



در بعضی موارد «مَفْعَل» است. مانند: مَطْبِخ، مَغْرِب

از خود سؤال کنید:



چند مثال از اسم های زمان و مکانی که در زبان فارسی نیز به کار می رود، ذکر کنید.

آیا با «صفت» در زبان فارسی آشنا هستید؟



آیا می دانید که یکی از انواع صفت در فارسی، صفت ساده است، مانند: خوب، شجاع؟

صفات ساده فارسی اغلب در زبان عربی همان صفت مشبَّه هستند.



مهم ترین وزن های صفت مشبَّه عبارتند از:

فَعِيل : شَرِيف
فَعْل : صَعْب
فَعْلان : عَطْشان

از خود سؤال کنید:



۱- آیا می توانید چند صفت ساده در زبان فارسی نام ببرید؟

۲- جواب صحیح کدام است؟

الفَرَح یعنی: شادی کردن ○ شادی می کند ○ شاد ○

آیا تا به حال دقت کرده اید که گاهی صفتی بیش از اندازه



معمول در کسی وجود دارد؛ مثل صبر و پایداری زیاد؟

به صاحبان شغل نگاه کنید: بَقال، عَطَّار، قَصَّاب، خَبَّاز و ...

آیا این افراد با شغل خود زیاد سر و کار ندارند؟

زیاد بودن یک صفت در انسان یا بسیار پرداختن بدان، دلیل بر «مبالغه» در آن صفت است.



اسم‌هایی که بر وزن **فَعَال** یا **فَعَالَة** می‌آیند، اسم مبالغه هستند. مانند :
«عَفَّار»، «عَلَّامَة»

از خود سؤال کنید :



۱- فرق صفت مشبّهه و اسم مبالغه در چیست؟ آیا شباهتی هم با هم دارند؟

۲- آیا می‌توانید چند اسم مبالغه که در زبان فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟

۳- جواب صحیح کدام است؟ «الأمارة» یعنی :

دستور ○ بسیار امرکننده ○ امر کرد ○

ترجمه دو صفت «کوچک» و «بزرگ» به عربی می‌شود «صغیر» و «کبیر». اما ترجمه صفت‌های «کوچک‌تر، کوچک‌ترین» و «بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» در عربی چیست؟



اسم تفضیل در زبان عربی معمولاً بر وزن «أفْعَل» می‌آید : أَحْسَن، أَكْبَر
و در مؤنث گاهی بر وزن «فُعْلَى» : حُسْنَى، كُبْرَى

اسم تفضیل نمایانگر کمتر یا زیاده‌تر بودن صفتی در کسی یا چیزی نسبت به دیگری است.

از خود سؤال کنید



۱- آیا در زبان فارسی اسم تفضیل داریم؟ مثال بزنید.

۲- جواب صحیح کدام است : «أشجع» یعنی :

شجاع‌تر ○ بسیار شجاع ○ شجاعت نشان می‌دهد ○

در آیات و عبارات های زیر اسم های مشتق به شکل متضاد به کار رفته، آن ها را با ذکر نوع مشتق داخل دایره بنویسید :



- ۱- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا... بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾
- ۲- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾
- ۳- لَوْ عَلِمَ * النَّاقِصُ بِنَقْصِهِ لَكَانَ كَامِلًا.

عین نوع المشتق الذي أُشير إليه بخط و اكتبه في الجدول :

نوع	معنى

- ۱- ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ * بِالسُّوءِ *﴾
- ۲- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾
- ۳- ﴿... رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾
- ۴- ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ﴾

الإغراب و التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ

هر «کلمه» را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد :

الف - ویژگی های فردی

ب - نقش آن در جمله

به جمله «نَجَحَ الطَّالِبُ» دقت کنید :

چه ویژگی هایی را می توانیم برای «الطَّالِب» ذکر کنیم؟

آیا اسم است یا فعل، مفرد است یا مثنی یا جمع، مذکر است یا مؤنث؟

«الطالب» در جمله چه نقشی دارد؟

آیا فاعل است یا مبتدا یا مفعول، در نتیجه آیا مرفوع باید باشد یا منصوب یا مجرور؟

اکنون بدانیم که :

■ بررسی ویژگی های «فردی» هر کلمه - بدون در نظر گرفتن موقعیت آن در جمله - در زبان

فارسی «تجزیه» نام دارد و در عربی «التحليل الصرفي».

■ بررسی نقش هر کلمه – با توجه به موقعیت آن در جمله – در زبان فارسی «ترکیب» نام دارد و در عربی «الإعراب».

بنابراین بر طبق قواعدی که تا کنون خوانده ایم، برای هر یک از اقسام کلمه در «الإعراب و التحليل الصرفي» موارد ذیل را باید به ترتیب تشخیص دهیم :

اسم : مفرد یا مثنی یا جمع (عدد) – مذکر یا مؤنث (جنس) – مشتق یا جامد ...

و نقش و اعراب آن در جمله (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، جار و مجرور و ...)

فعل : ماضی یا مضارع یا امر – صیغه (غائب، مخاطب، متکلم) مجرد یا مزید ...

و نقش آن در جمله و اشاره به فاعل آن.

حرف : نوع آن و ...

در نتیجه با توجه به مطالب فوق «الإعراب و التحليل الصرفي» جمله «نَجَحَ الطَّالِبُ» چنین خواهد بود :

نَجَحَ : فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثي / فعلٌ و فاعلُهُ «الطالب» و الجملة فعلية

الطالب : اسمٌ، مفردٌ، مذکر، مشتقٌ و اسمٌ فاعل / فاعلٌ و مرفوعٌ

تمرین الثالث

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ :

رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا صَالِحًا.

رَزَقَ :

الف – فعلٌ ماضٍ، للغائبة، مزید ثلاثي.

ب – فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثي.

ج – فعلٌ مضارع، للمخاطب، مزید ثلاثي.

صالح :

الف – اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم مفعول).

ب – اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم فاعل).

ج – اسم، مثنی، مؤنث، مشتق (اسم مکان).

۱- لِلْغَائِبِ أَيْ لِلْمَفْرَدِ الْمَذْكَرِ الْغَائِبِ



□ در ترجمه اسم‌های مبالغه معمولاً از قید «بسیار» استفاده می‌کنیم؛ مانند: غَفَّار: بسیار آمرزنده
 □ گاهی میان اسم‌های تفضیل از لحاظ ظاهری با فعل ماضی باب افعال مشابهت ایجاد می‌شود، توجه به مفهوم عبارت راهگشای مسأله است. مثال:

هُوَ أَحْسَنُ إِلَىٰ أَصْدِقَائِهِ. او به دوستانش خوبی کرد.
 شاهدنا أَحْسَنَ الطُّلَّابِ. بهترین دانش‌آموزان را دیدیم.

□ اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، به صورت صفت تفضیلی ترجمه می‌شود:
 أَحْسَنُ مِنْ ... : نیکوتر از ...

و اگر همراه «مِن» نیاید، معمولاً به صورت صفت عالی ترجمه می‌شود: أَحْسَنُ كِتَابٍ: بهترین کتاب
 ترجمه زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

أَفْضَلُ إِنْسَانٍ : (برترین انسان)

دَخَلَ وَفْدٌ مِنَ التُّجَّارِ فِي مَجْلِسِ أَمِيرٍ. بَدَأَ فَتَىٰ ذِكْمِي بِالْكَلَامِ نِيَابَةً عَنِ قَوْمِهِ. فَأَشَارَ إِلَيْهِ الْأَمِيرُ: أَلَيْسَ فِي الْمَجْلِسِ أَكْبَرُ مِنْكَ؟!

هیأتی از بازرگانان وارد مجلس امیری می‌شود جوانی باهوش به جانشینی از سوی مردم خودش صحبت کرد. امیر به او اشاره کرد: آیا در مجلس بزرگ‌تر از تو هست؟

عِنْدَئِدْ قَالَ الْفَتَىٰ «الْعَلَامَةُ» بِشَهَامَةٍ: أَيُّهَا الْأَمِيرُ، قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِعَقْلِهِ وَ لِسَانِهِ.

در این هنگام جوان دانا با شهامت گفت: ای امیر، ارزش انسان به خرد و گفتار اوست.

حِينَمَا رَزَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَقْلاً كَامِلاً وَ لِسَاناً فَصِيحاً فَلَهُ فَضِيلَتَانِ.

هنگامی که خداوند به انسان خردی کامل و زبانی شیوا روزی خواهد داد پس برایش چند فضیلت هست.

لَوْ كَانَتْ قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِسِنِّهِ؛ لَكَانَ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ مَنْ هُوَ أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحُكْمِ.

اگر ارزش انسان به سن باشد؛ حتماً در آن مجلس کسی هست که از شما در حکومت تواناتر است.

عِنْدَئِدْ سَكَتَ الْأَمِيرُ وَ عَجَزَ عَنِ جَوَابِ الْفَتَى الصَّغِيرِ.

در این هنگام امیر شگفت‌زده شد و از پاسخ جوان کوچک برآشفست.

الف : در متن درس با کلمه «أَعْلَمُ» آشنا شدید، اکنون دیگر مشتقات از این ریشه را در آیات زیر مشخص کنید و نوع و ترجمه آن را در مستطیل‌ها بنویسید :

ترجمه	نوع	
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (فاطر/ ۳۸)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۲- ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (مائدة/ ۱۰۹)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۳- ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (مَعَارِجُ / ۲۴)

ب : پس از خواندن آیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

﴿وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (النساء/ ۱۲۵) ﴿وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/ ۱۰۳)

معنی کلمه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟

- خلیل : دوست بودن دوست دوستی انتخاب می‌کند
 لطیف : مهربانی کرد مهربانی مهربان
 خبیر : آگاه آگاه کردن آگاه‌تر

«القرآن»

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ. وَتَفَقَّهُوا^۱ فِيهِ فَإِنَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ. أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ^۲ الْقَصَصِ ...
 «الخطبة ۱۱۰»
 تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ وَعَيِّنْ نَوْعَ الْمُسْتَقَاتِ الْمُشَارِ إِلَيْهَا بِخَطِّ :

۲- أَنْفَعُ : سودمندترین

۱- تَفَقَّهُوا : بفهمید و درک کنید